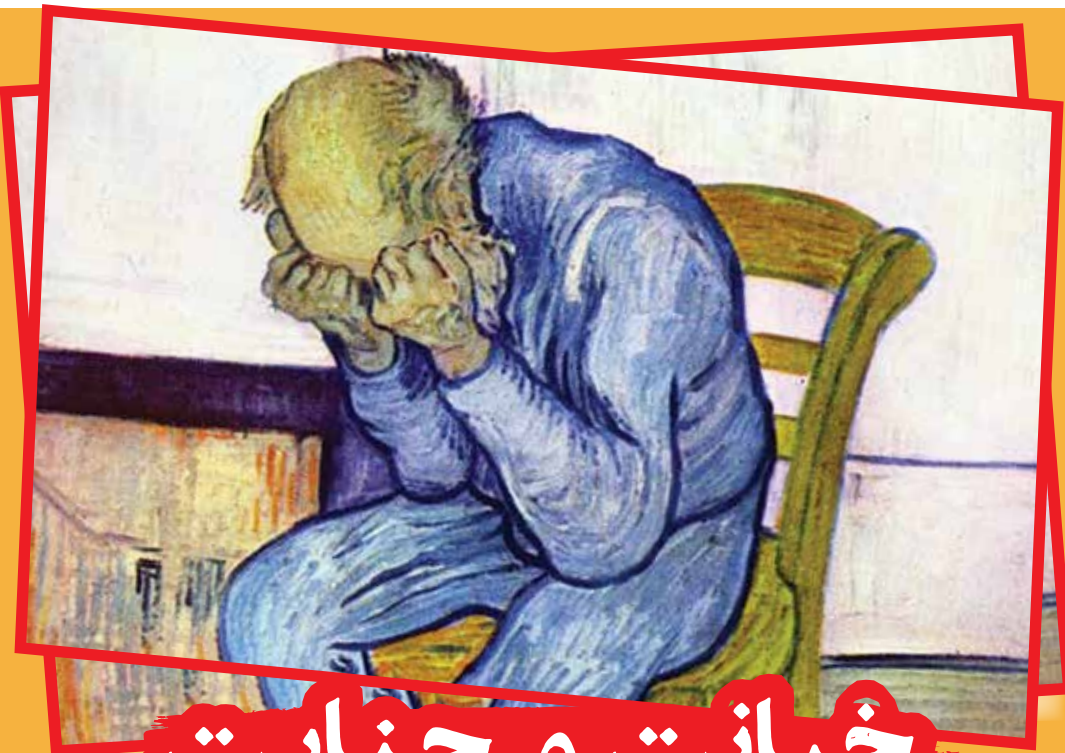




خیانت و جنایت

محمد غمخور

سردبیر تیش

در شماره‌های قبل خواندید: عماد دویسرپچه‌اش را به حمام برد و با ضربه‌های چاقو آنها را به طرز هولناکی به قتل رساند. بعد هم منتظر همسرش زینت شد تا او را هم از پا در آورد که ناکام ماند و گریخت. همزمان با این جنایت، دختر و پسر مش‌رحیم ناپدید شدند. دختر پیرمرد به دیدن نامزدش رفته بود که تحقیقات استوار نشان داد، هیچ نامزدی در کار نبوده و احتمالاً اتفاق تلخی برای او رخ داده است. سروان حسینی هم از شهر به پاسگاه آمد تا پرونده قتل دو کودک را پیگیری کند. و حالا ادامه داستان:

سروان حسینی در پشت میز استوار نشسته و در حال مرور پرونده بود که استوار همراه زن جوانی وارد اتاق شد. با این‌که در پرونده نوشته شده بود، زینت ۲۹ ساله است اما چهره‌اش به زنی ۴۰ ساله بیشتر شبیه بود. قبل از این‌که استوار بخواهد او را معرفی کند، سروان شناختش و زن جوان را به اسم صدا کرد و به او تسلیت گفت: «بینید خانم من اینجا هستم تا نگذارم خون فرزندان شما پایمال شود. ممکن است شوهرتان برگردد و شما را هم بکشد. پس بهتر است همکاری کنید تا زودتر عماد دستگیر بشه.»

زینت چشم به دهان سروان دوخته بود اما به نظر می‌رسید در عالم دیگری سیر می‌کرد. سروان که متوجه این موضوع شده بود، با صدای بلندتری پرسید: خانم متوجه حرف‌های من شدید؟

زینت انگار تازه متوجه حضور سروان شده بود. با همان پریشانی پرسید: متوجه چه چیزی شدم؟

با دست به صندلی روبه‌روی میز اشاره کرد و گفت: بنشینید با هم صحبت می‌کنیم.

بعد از استوار تشکر کرد و از او خواست به بقیه کارهایش برسد. برگه‌ای سفید روی میز گذاشت این بار دقت کنید تا مجبور نشم دوباره تکرار کنم.

زینت این حرف سروان را با سر تایید کرد و منتظر ادامه حرف‌هایش ماند. افسر جوان هم که این بار مطمئن شده بود حواس زینت به او است، گفت: «بینید، حرف‌های شما می‌تونه به کشف ماجرا خیلی کمک کنه. پس بهتره با دقت جواب بدید. عماد چرا بچه‌ها را کشت؟» زن جوان مکثی کرد و قطره اشکی از گوشه چشمش روی گونه‌اش لغزید: «عماد مدتی بود دیوانه شده بود. فکر می‌کرد بچه‌ها اگر بزرگ شوند جان‌ش را می‌گیرند. به همین خاطر از آنها می‌ترسید. چند باری گفته بود که می‌خواهد این کار را کند اما من جدی نگرفتم. مگر

یک پدر می‌تواند پسرانش، جگرگوشه‌هایش را بکشد؟»

بغضی که تا آن موقع بیخ‌گلویش گیر کرده بود، ترکید. سروان از روی میز لیوان آبی پرکرد و به او داد. چند دقیقه‌ای صبر کرد تا آرام شود. بعد تحقیق از او را ادامه داد.

۴] چطور متوجه شدی آن روز قصد کشتن بچه‌ها را داره؟

بچه‌ها برای بازی به خانه پدر بزرگ‌شان رفته بودند. آنجا که بودند خیالم جمع بود. دنبال‌شان رفتم تا آنها را به خانه ببرم که فهمیدم عماد دنبال آنها رفته تا به حمام ببردشان. او هیچ وقت از این عادت‌ها نداشت و فهمیدم با این ادعا می‌خواهد، نقشه شومش را عملی کند. سریع راهی خانه شدم اما وقتی رسیدم کار از کار گذشته بود. عماد در حیاط منتظرم بود که با داد و فریاد فرار کردم. او هم ترسید و رهايم کرد.

۴] الان فکر می‌کنی کجا باشد؟

همیشه می‌گفت اگه یه روز جرمی انجام بدم، طاقت زندان رو ندارم و از کشور فرار می‌کنم. الانم مطمئنم همین کار رو کرده.

۴] این چند روز سعی کنید تنها نباشید و اگر با شما تماس گرفت، سریع خبر بدید.

زینت زیر لب، چشمی گفت و با اشاره سروان زیر برگه تحقیق را امضا کرد و اثر انگشت زد. بعد هم از اتاق بیرون رفت. افسر جوان به سمت پنجره رفت تا کمی هوای تازه بخورد که متوجه کشمکش زینت با پیرمردی در حیاط شد. به نظر می‌رسید زن جوان قصد داشت سریع از پاسگاه بیرون برود اما پیرمرد مانعش بود. سروان به سمت در رفت و استوار را صدا کرد و او را به سمت پنجره برد.

۴] پیرمرد رو می‌شناسی؟

آره؛ مش‌رحیم هست. همون که بچه‌هاش گم شدن.

۴] با زینت چکار داره؟

استوار که از این رفتار پیرمرد تعجب کرده بود، گفت: خودمم موندم. اهل یه روستا هم نیستند. زینت بالاخره خودش را از دست پیرمرد رها کرد

و به سمت در خروجی رفت. مش‌رحیم هم با قدم‌های تند، خودش را به اتاق سروان رساند. نفس‌هایش به شماره افتاد و اجازه نمی‌داد حرف بزند. سروان لیوان آب دستش داد و او را روی صندلی نشاند. حال مش‌رحیم که جا آمد، از سروان سراغ مینا را گرفت.

سروان که اتفاقات این چندروزه حساسی گیجش کرده بود، پرسید: مینا کیه؟

- همان خانمی که توحیاط باهاش حرف می‌زدم.

سروان گفت: اشتباه گرفتی پیرمرد، اون خانم اسمش زینت است. بنده خدا دو تا بچشو، شوهرش کشته. حالا تو بهش گیر دادی؟! مش‌رحیم با لحنی عصبانی گفت: یعنی من عروسم رو نمی‌شناسم؟ سراغ پسر رو گرفتم، گفت ازش خبر نداره و اوامده بود شکایت کند. حرف‌های مش‌رحیم حالا معمای پیچیده‌ای را در ذهن سروان شکل داده بود. به استوار گفت: سریع با یه سرباز برید و این زن را برای تحقیق به اینجا بیارید. از وقتی دیدمش، حس کردم قصد مخفی کردن یک راز را داره.

استوار سریع راه افتاد و یک ربع بعد با زینت وارد اتاق شدند. زن جوان سعی می‌کرد نگاهش را از مش‌رحیم بدزد. سروان هم اجازه داد چند دقیقه‌ای سکوت فضای اتاق را پر کنند. بعد روگرد به زینت و با صدای بلند پرسید: این آقا را می‌شناسی؟

زینت سکوت کرد و جواب نداد. سروان این بار با دست ضربه محکمی روی میز کوبید: «پرسیدم این آقا را می‌شناسی؟»

زینت زیر لب گفت: بله

۴] چه نسبتی با هم دارید؟

پدر شوهرم هستن.

۴] یعنی پدر عماد؟

نه پدر مهران.

مش‌رحیم که تا حالا سکوت کرده بود، رو کرد به سروان و گفت: این سئوالا چیه می‌پرسید؟ این خانم عروس من هستن؛ زن مهران.

هشدار

تیش

ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۷

چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۶۴

شرایط پلاک گذر موقت

خودروهای دارای پلاک گذر موقت معمولاً مجاز به تردد در مسیرهای خاصی هستند که در مجوز ورود آنها تعیین شده‌است. رانندگان باید از این مسیرها تجاوز نکنند و فقط در مناطق مجاز تردد کنند. پلیس به‌طور مرتب این مسیرها را کنترل می‌کند تا از تخلفات جلوگیری شود. تردد در مسیرهای غیرمجاز می‌تواند به جریمه و توقیف خودرو منجر شود.

سرهنگ فیروز کشیر، معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور تهران بزرگ بیان کرد: پلاک‌های گذر موقت برای خودروهایی صادر می‌شوند که به‌طور موقت وارد کشور شده‌اند و مجاز به تردد در مدت زمان معینی هستند. این پلاک‌ها معمولاً به خودروهای خارجی یا خودروهایی که به‌صورت ترانزیت در حال عبور از کشور هستند، تعلق می‌گیرد. پلاک‌های گذر موقت دارای مدت اعتبار مشخصی هستند که معمولاً بین چند روز تا چند ماه متغیر است. رانندگان باید دقت کنند که پس از پایان این مدت، اجازه تردد با این پلاک‌ها را ندارند. در صورت نیاز به تمدید، باید پیش از پایان مدت اعتبار پلاک به مراجع ذی‌ربط مراجعه و مجوز لازم را دریافت کنند. عدم تمدید به‌موقع می‌تواند به جریمه و توقیف خودرو منجر شود.

وی تصریح کرد: خودروهایی با پلاک گذر موقت موظف به رعایت تمامی قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی هستند. این قوانین شامل محدودیت‌های سرعت، توقف در محل‌های مجاز، استفاده از کمربند ایمنی، رعایت حق تقدم و پرداخت عوارض می‌شود. رانندگان باید دقت کنند که نقض این قوانین می‌تواند به جریمه یا حتی توقیف خودرو منجر شود. پلیس به‌طور ویژه‌ای بر تردد این خودروها نظارت دارد تا از هرگونه تخلف جلوگیری کند. برخی افراد ممکن است پلاک‌های گذر موقت را به‌طور غیرقانونی و برای مدت طولانی استفاده کنند. این پلاک‌ها فقط برای مدت معین و مسیر مشخص صادر می‌شوند و هرگونه استفاده خارج از این محدوده غیرمجاز است. پلیس به‌طور جدی با این تخلفات برخورد می‌کند و خودروهای دارای پلاک گذر موقت را مورد بررسی قرار می‌دهد تا از استفاده غیرمجاز جلوگیری کند. این امر شامل بررسی مدارک و مستندات مربوط به خودرو و پلاک نیز می‌شود.

کشیر بیان کرد: پلیس همچنین بر تخلفات رانندگی خودروهای با پلاک گذر موقت نظارت دارد. رانندگان این خودروها باید به قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی به‌طور کامل احترام بگذارند. در صورت مشاهده تخلف، پلیس می‌تواند جریمه نقدی اعمال کند و در موارد شدیدتر، اقدام به توقیف خودرو خواهد کرد. تخلفاتی مانند سرعت غیرمجاز، عبور از چراغ قرمز و عدم رعایت حق تقدم از جمله مواردی است که پلیس به‌طور ویژه به آن توجه می‌کند.

